

یکشنبه • ۱۲ مرداد ۱۳۹۳ • سال یازدهم • شماره ۲۰۷۷ • ۷

شرق روزنامه

موسیقی

بررسی خط فقر در گفت‌وگو با حسین راغفر	صفحه ۸
بحران ملی بهر هوری؛ عنصر اصلی شیوع فقر	صفحه ۸
گلابه‌های «آقای بازیگر» از بهروز غریب‌پور	صفحه ۱۰

رویداد
بزرگداشت دولتی نواز شناخته شده در تالار وحدت تندیس شیر محمد در تهران نصب می‌شود
 شوق: بعد از نامگذاری خیابانی در بمپور، در تهران هم تندبسیی از شیرمحمد اسپندار در خانه هنرمندان رونمایی می‌شود. این اتفاق که با پیشنهاد دبیرخانه کمیسیون اجتماعی و فرهنگی کلاشهرهای کشور صورت خواهد گرفت در حاشیه برنامه نکوداشت این دولتی‌نواز پیشکسوت خواهد بود. این مراسم که قرار است ۱۸ مرداد در تالار وحدت برگزار شود از طریق تهیه و ارایه یک‌بسته فرهنگی اجرا خواهد شد و آثار ضبط شده اسپندار در این بسته فرهنگی قرار خواهد گرفت. همچنین، زندگینامه استاد جز آن، یک‌لوح فشرده حاوی اطلاعاتی از زندگی و فعالیت‌های استاد، عکس‌هایی از استاد و کتابی تدوین‌شده از مقالات آرشوی استان (با مسوولیت و نظارت استاد ایرج افشار سیستانی، ایرانشناس و نویسنده) نیز به حضارن در مراسم ارایه خواهد شد. نمایشگاه عکس از آلات موسیقی بومی خله سیستان‌وبلوچستان در کنار مراسم نکوداشت برپا خواهد شد. به‌علاوه، قرار است یک کاروان فرهنگی، یک هفته قبل از برگزاری نکوداشت، از ایرانشهر به مقصد تهران حرکت کرده و در شهرهای بین راه (از جمله در شهرهای بهم، کرمان، یزد و کاشان)، برنامه‌های موسیقی محلی را اجرا کنند. در کنار این تندیس شیرمحمد ساخته و به نمایش در خواهد آمد. این مجسمه را قرار است آقای ترابی‌مقدم – مجسمه‌ساز– بسازد. در این مراسم علاوه بر فیلم «گدان» که به‌تازگی در ارتباط با فرهنگ استان سیستان‌وبلوچستان و استادشده محمد اسپندار به کارگردانی حسین ریگی، فیلمساز بلوچ، ساخته شده، مقرر شده تا یک‌فیلم مستند دیگر نیز از زندگی این استاد موسیقی بلوچ تهیه شود. علاوه بر این فیلم، فیلم مستند دیگری نیز از کاروان موسیقی که از بمپور عازم تهران برای حضور در این مراسم هستند نیز تهیه خواهد شد. مسوولیت تهیه این فیلم مستند، دبیرخانه کمیسیون خواهد بود. به‌جز این مراسم، نکوداشت دیگری نیز در شهر زادگاه ایشان در بمپور برگزار خواهد شد. خرید خانه استاد و تبدیل آن به خانه موسیقی محلی سیستان‌وبلوچستان و نامگذاری یک خیابان یا میدان در ایرانشهر و بمپور به‌نام استاد از اقدامات آن مراسم خواهد بود. از طرف دیگر در مراسم نکوداشت استاد اسپندار در تهران نیز، با توجه به هماهنگی‌های اولیه‌ای که با آقای مسسجدجامعی رئیس‌شورای شهر تهران صورت گرفته، تلاش می‌شود تا یک‌پارک یا میدان در شهر تهران به‌نام ایشان شود. تلاش‌های دیگری نیز صورت گرفته تا در صورت امکان، نشان درجه یک فرهنگ‌وهرتر یا لوح برتر موسیقی نواحی نیز به شیرمحمد دولتی‌نواز داده شود. همچنین، برای دعوت از رئیس‌جمهور و وزیر فرهنگ‌و‌ارشداد برای حضور در جلسه این اقدام خواهد شد. از استادان شناخته‌شده موسیقی ایران نظیر استاد محمدرضا شجریان و درویش، از محققان موسیقی محلی ایران، برای حضور در جلسه دعوت به عمل آمده است. هزته ایب‌ودهاب استاد اسپندار و ۱۰ نفر از اقوام ایشان برای دعوت به مراسم را شهرداری بمپور بر عهده گرفته و به جز آن، شهرداری و شورای شهر ایرانشهر، ۲۵۰ مترمربع زمین در این شهر به ایشان هدیه کرده است. شورای اسلامی شهر بمپور، فرماندار ایرانشهر، شهرداری ایرانشهر و نماینده مردم ایرانشهر در مجلس، اصلی‌ترین گروه‌های کمک‌کننده مالی برای برگزاری این مراسم هستند که با کمیسیون فرهنگی‌واجتماعی کلاشهرها همکاری کرده‌اند و به‌علاوه آن، معاونت هنری وزارت فرهنگ، مدیر مرکز موسیقی وزارت فرهنگ، استانداری سیستان‌وبلوچستان، شهرداری زاهدان و اداره کل ارشاد استان نیز قول همکاری داده‌اند. بنا به اظهارات عادل مزاری، رئیس دبیرخانه کمیسیون فرهنگی‌واجتماعی کلاشهرها، قرار بود این مراسم در روزهای پایانی خردادماه سال‌جاری برگزار شود، اما برای هماهنگی بیشتر و بهتر به بعد از ماه رمضان موکول شد. در نهایت، روز شنبه ۱۸ مرداد ساعت ۶ عصر، مراسم نکوداشت شیرمحمد اسپندار در تالار وحدت برگزار خواهد شد. استاد شیرمحمد اسپندار در سال ۱۳۱۰ هجری خورشیدی در بمپور بلوچستان متولد شد. در نوجوانی به پاکستان رفت و در سال ۱۳۳۷ پس از کسب تجربه در زمینه موسیقی به ایران بازگشت. وی تا سال ۱۳۶۲ برای نواختن موسیقی بلوچی از تک نی هم استفاده می‌کرده است. او موفق به کسب دکترای افتخاری موسیقی سنتی از کشور فرانسه و دیپلم افتخار نوازندگی در ایران شده است. شیرمحمد اسپندار یکی از آخرین هنرمندان نوازنده دولتی در ایران است که سال‌ها در گمنامی به اجرای این هنر در خیابان ها اقدام می کرد. اما بعدها توسط برخی از استادان شناخته شد و همین دلیلی شد تا صدای دولتی او به گوش جهان برسد. او در فستیوال‌های بسیاری اجرای هنر کرده است.

یاد
به یاد محمدرضا لطفی می‌گذرد کاروان هومن ذکایی

فکر می‌کنم تابستان ۵۹ خورشیدی بود که به لطف معرفی استاد «شهرام ناظری» با استاد «محمدرضا لطفی» و دیگر هنرمندان کانون فرهنگی- هنری «چاووش» آشنا شدم. آن‌روزها آقایان لطفی و ناظری روی شعر «باز شوق یوسف‌دامن گرفت / پیر ما را بوی پیران گرفت» اثر استاد «سایه» کار می‌کردند و قرار بود برای تصنیف آن مجموعه که بعدها «چاووش» شماره هشت نام گرفت ترانه‌ای سروده شود، که قرعه فال به نام من خورد. آقای لطفی در این‌باره با من صحبت کردند و نوار آهنگی را در اختیارام قرار دادند تا روی ملبودی آن ترانه‌ای بگیرم. بارهای بار آن نوار را گوش دادم و با خود زمزمه کردم تا به قول معروف شعر خودش بیاید. روزی از روزها که از میدان هفت‌تیر می‌گذشتم، جماعت بسیاری را دیدم که شهیدان وطن را که در جنگ کشته شده بودند، تشییع می‌کردند. احساس عجیبی دست داد و همان‌جا از خاطرم گذشت: «می‌گذرد کاروان / روی گل ارغوان / اقاله‌مسالار / آن سرو شهید جوان» آن را روی تکه کاغذی نوشتم که شد سرازاز ترانه کاروان شهید و چند روز طول کشید تا شعر را تمام کردم. آری شعر کاروان شهید در سایش و بزرگداشت شهیدان و جانبازان وطن سروده شد. درود به روان پاکشان باد. پس از مرور و اصلاحات نهایی، آقای لطفی این شعر و آهنگ را خودشان برای تصویب به اداره رادیو بردند که تصویب هم شد. پس از آن هم نوارش به بازار آمد که در ابتدا یک طرفش صدای شهرام ناظری بود و طرف دیگر صدای سیمیا بینا با غزلی از سعیدی و آهنگی از عارف قزوینی. اما چند روز بعد آن نوار از سطح شهر جمع‌آوری شد و مدتی بعد آهنگ کاروان شهید دوباره به بازار آمد ولی این بار چاووش هشت قطعه دربردارنده صدای شهرام ناظری بود و روی دیگر کاست، ساز تنها. روزی در دفتر چاووش از آقای لطفی شنیدم که می‌گوید نمی‌دانم چرا آهنگ کاروان شهید از رادیو پخش نمی‌شود، این کار را که تصویب کرده‌اند. گفتم آقای لطفی اجازه بهدید ماجرای را برای شما تعریف کنم، شاید بی ارتباط با این موضوع نباشد: چندی پیش رفته بودم در یک دوست‌های گفتند مساحتی شاعر و نویسنده‌ای که در این شهر است. این گروه با خود می‌آوردند که در این شهرستان‌ها روی صحنه ببریم.

«**آیا یاد کنسرت تان ممکن است اثری از پسرعمه‌ا، طغرل و بقیه نقش‌هایتان می‌باشد؟**
خودم دوست ندارم اینها را با هم ادغام کنم چون ماهیتا با هم فرق دارند و اساسا من هیچ‌وقت نخواستام از شهرت بازیگری‌ام استفاده یا به عبارت دیگر سواستفاده کنم. به همین دلیل خیلی‌ها نمی‌دانند «از تو دلگیرم» را من خوانده‌ام. من قبل از این می‌توانستم خیلی روی این قطعه و قطعات دیگرم تبلیغات کنم اما این کار را نکردم چون می‌خواستم خود آهنگ راه خودش را جلو ببرد بدون آنکه مهم باشد من آن را خوانده‌ام یا کس دیگر. ضمن اینکه ذات این آهنگ‌ها هم خیلی ربطی به این کاراکترها ندارد.

«**در کنسرت پیش رو چه قطعاتی را اجرا می‌کنید؟**
آلبوم «ماه می‌خنده» ۹ قطعه دارد که هشت قطعه‌اش را اجرا می‌کنیم. آلبوم جدیدم هم ۱۰ قطعه دارد که از آن هم حدود هشت قطعه را اجرا خواهیم کرد. سر جمع حدود ۱۳، ۱۴ آهنگ داریم که سعی می‌کنیم با بهترین شکل برای مخاطبان اجرا کنیم.
«**در سریال «در چشم باد» و در نقش محمد دژگیر آهنگ مشهور عارف قزوینی «از خون جوانان وطن لاله دمیده» را خواندید که در فضای مجازی بازتاب گسترده‌ای داشت و فیلم آن هم بارها داندلود شد. نمی‌خواهید این قطعه با قطعات خاص‌تر انگیزی از این دست را هم اجرا کنید؟**
این کارها را استادان موسیقی سنتی اجرا کرده‌اند و من به خودم اجازه نمی‌دهم که این کارها را اجرا کنم. کارهایمان هر ربطی به موسیقی سنتی ندارد که من بخوام لایه‌لای کارهای پاپ قطعاتی از این دست اجرا کنم. این آهنگ را که در سریال «در چشم باد» اجرا کردیم در فرهنگ شنیداری مردم ما خطره بوده و ما در واقع یکبار دیگر یادآوری کردیم. این آهنگ را خود عارف که سازنده آهنگ و شاعر ولی بالحن دوست‌های گفتمند حساسیتی در کار نیست، من چند روز پیش شعری را تصویب کردم که اصلا شاعرش را نمی‌شناختم، پرسیدم شعر از چه کسی بود و ایشان گفتند از شخصی به نام هومن و من گفتم هومن خود من هستم. باری، این ماجرا را که برای آقای لطفی تعریف کردم ایشان رفتند اداره رادیو. چند روز بعد که دیداری دست داد پرسیدم آقای لطفی از کاروان شهید چه خبر؟ گفتند به مسول مربوطه در اداره رادیو گفتم لطفا دستور بهدید پرونده این شعر و آهنگ را بیاورند تا ببینیم دلیل پخش‌نشدنش چیست، که آوردند و من دیدم در زیر شعر کاروان شهید که قبلا تصویب شده بود، نوشته شده است: «این شهید از ما نیست، پخش نشود!» با استاد شادروان لطفی در ولایت غربت هم چندباری دیدار داشتم و قرار بود کارهای تازه‌ای را شروع کنیم اما امکان همکاری میسر نشد.


عکس: محمد موبدی، شرق

محمدرضا هدایتی در آستانه اولین کنسرتش:

از شهرت بازیگری ام سوءاستفاده نمی‌کنم

بهروز باشد و سلیقه آن دوره و آن روز مردم را در نظر گرفته باشد. آلبوم برگ و باد سن‌وسال خاصی و درصد کمی از مردم و سلیقه‌شان را در بر می‌گرفت اما در آلبوم «ماه می‌خنده» سعی کردیم کارهایی بسازیم که از تین‌ایجر به‌بعد تحت‌تأثیر قرار بگیرند و آلبوم، یک آلبوم با موسیقی روز باشد که این درست هم هست. «برگ و باد» با اینکه آلبوم بدی نبود در بین عموم مردم موفقیت خاصی به دست نیاورد. بعد از آن تصمیم گرفتیم که به‌روزتر و مشخصا برای علاقه‌مندان موسیقی پاپ کار کنیم. یعنی خواستم تکلیف مخاطبیم روشن باشد.

«**اولین قطعه از آلبوم «ماه می‌خنده» که قبل از انتشار آلبوم در فضای مجازی منتشر شد قطعه «از تو دلگیرم» بود که بعد از آن به‌نوعی شکل کارتان تغییر کرد و در این نوع از تنظیم و موسیقی تثبیت شد. درست است؟**
باید توضیح بدهم. رسیدن به این فرم خیلی هم ساده نبود. زمانی که به استودیو ترانه سمان رفتم که یک آلبوم منتشر کنم، یکسری از قطعاتی را که قبلا کار کرده بودند برام گذاشتند و من هم به بعضی‌هایشان علاقه داشتم و به بعضی‌هایش هم؛ اما به‌هم‌حال می‌خواندم و کم‌کم با بچه‌های آنجا صمیمی‌تر شدیم. یک‌روز رشید رفیعی به من گفت آقایان آلبوم برای تو آلبوم بشو نخواهد بود. گفتم چه کار کنیم؟ گفت باید خودت ملودی بساز. گفتم من این کار را نکردام و نویسندگی و آهنگسازی و ترانه‌گفتن اصلا توی خونم نیست. گفت من می‌دانم که هست و گیتار را گرفت دستش و شروع کرد به آکوردگرفتن و گفت حالا روی این آکورد یک ملودی بگذار و من دیدم که دارم ملودی می‌گویم. این روند را ادامه دادم و به سیکل‌های آکوردیک خاصی رسیدیم که چیزی بین موسیقی و ملودی یونانی، ترکی و ایرانی بود. تأثیر ایسن ملودی‌ها طوری بود که کل آهنگ‌های آلبوم «ماه می‌خنده» روی همان روند ساخته شد و بعد من شروع کردم به ملودی‌گفتن. من ملودی می‌گفتم، رشید ضبط می‌کرد، روی آن ترانه می‌گفت و بعد تنظیم می‌کردیم. این آلبوم اینجوری تهیه شد.

«**و تک‌ترکی که بعدتر منتشر کردید هم در همین روند شکل گرفت. درست است؟**
تقریبا بله و حتی آلبوم بعدی ما هم روی همان سیکل آکوردیک ساخته شده، هرچند به‌هرحال ملودی‌ها با هم فرق می‌کند.

← → ↻ ⌂
موضوع مهم این است که مردم در فضای مجازی دنبال قطعه هیت نمی‌کردند، شما قطعه هیت را می‌توانید در خودروها و خانه‌ها پیدا کنید و وقتی این قطعات پخش می‌شوند مردم بیشتر آن را می‌شنوند و کسی دنبال خواننده‌اش نیست. برای همین هم بود که گفتم بگذار مدتی از شنیده‌شدن این قطعات بگذرد و در بین مردم جا بیفتد بعد کنسرت می‌گذارم. گفتم بگذارم آلبوم بعدی‌ام بیا بد بعد کنسرت می‌گذارم
← → ↻ ⌂

«**چرا این سبک را ادامه دادید؟ چون فکر می‌کنید صدایتان در این سبک‌وسیاق بهترنمی‌سنست؟**
بله. در این سبک کسلاں دیگری هم کار کرده‌اند و کار می‌کنند اما با یکی، دو آکورد بیشتر داریم. مثلا سبک کار مازیار فلاخی خیلی نزدیک است و مثلا رشید رفیعی خیلی راحت می‌تواند برای مازیار فلاخی آهنگ بسازد. در این سیکل آکوردیک که ما در آن کار می‌کنیم معمولا آهنگ‌ها مهربان درمی‌آید و ترانه خشن اصلا روی آن نمی‌شنیند. در این نوع کار ترانه باید مهربان باشد و کل کار عاشقانه درمی‌آید.

«**و این به لطافت صدا و روحیه خود هم می‌خورد؟**
بله، به روحیه و حساسیت‌های من و به خود من نزدیک‌تر است. این سبکی هست که تقریبا می‌توانم بگیریم مال خودمان شده و با آن راحت هستم.

«**گفتید با این سبک راحت هستید. آتهایی که پشت صحنه بازیگری تان را دیده‌اند، می‌دانند که مقدر با بازیگری راحتید. آیا با خوانندگی و خواننده بودن هم همانقدر راحت هستید؟**
خوانندگی هنوز برام سخت‌تر است.
«**کدام بخش خوانندگی سخت‌تر است؟ روی صحنه رفتن و برای مردم خواندن؟**
روی صحنه رفتن برایم سخت نیست. سال ۸۳ یکبار در شیراز روی صحنه رفتم و در همان سال در اراک سه شب کنسرت گذاشتم و کنسرت‌های خوبی هم بود. تجربه کنسرت را دارم؛ ضمن اینکه تجربه بازیگری در تئاتر و تلویزیون باعث شده که استرس حضور روی صحنه را هم نداشته باشم، اما به هر حال همانطور که بازیگری تئاتر از بازیگری سینما سخت‌تر است و تاامود جسی دارد، خوانندگی روی صحنه سخت‌تر است و اگر تپق بزنی زده‌ای و راه برگشت ندارد در حالی که در بازیگری سینما و تلویزیون می‌شود ۱۰ بار برداشت کرد. استیج از این نظر سخت‌تر است و چون بعد از سال‌ها می‌خواهم این کار را بکنم و مردم آلبوم را شنیده‌اند و انتظار دارند اجرای صحنه هم اجرای خوبی باشد، مسوولیتم سنگین‌تر است و به هر حال کمی استرس هم هست.

«**شما در حال حاضر بیشتر به عنوان بازیگر شناخته می‌شوید؛ در حالی که کارهایی را اجرا و منتشر کرده‌اید که آنها هم مثل بازیگری تان موردتوجه قرار**

آرش نصیری
محمدرضا هدایتی بازیگری است که به پشتوانه چهره‌اش شناخته نشده است. وقتی جوان بود، پشت گرم‌های سنگین در نقش پیرمردها ظاهر می‌شد. پشت همان گرم‌های سنگین درخشید و نقش‌های خوب دیگری هم بازی کرد. او این اواخر پشت عروسک پسرعمه‌زا در مجموعه کلاه‌قرمزی هم قرار گرفت. در پس تمام این نقش‌ها، مرد مهربان، کم‌حاشیه و بی‌ادعایی قرار دارد که حتی وقتی ترانه و آهنگی می‌خواند به‌شدت گمنام است. خودش می‌گوید: «به همان اندازه که خیلی‌ها می‌دانند من این آهنگ‌را خوانده‌ام، خیلی‌ها هم هستند که می‌گویند مگر این آهنگ را تو خوانده‌ای؟» این روزها این بازیگر و خواننده از پشت این گرم‌ها و سکوت‌ها و گوشه‌گیری‌ها بیرون آمده تا برای مردمی که دوستش داشته‌اند کنسرت بگذارد و برایشان «از تو دلگیرم» را بخواند؛ در حالی که اساسا از هیچ‌کس دلگیر نیست. هدایتی تاکنون آلبوم‌های «برگ و باد» و «ماه می‌خنده» را منتشر کرده و در آستانه دومین همکاری مشترکش با رشید رفیعی و انتشار سومین آلبومش، چهارشنبه ۱۵مرداد در سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی اولین کنسرت بزرگش را روی صحنه می‌برد. با او درباره آلبوم‌ها و کنسرتش به گفت‌وگو نشستیم.

«**بعد از دو آلبوم و در آستانه انتشار آلبوم سوم بالاخره دارید کنسرت برگزار می‌کنید. چرا تا به حال کنسرتی برگزار نکرده‌اید؟**
من فقط ۹ تا ترک داشتم که می‌توانستم در کنسرت اجرا کنم. همه می‌گفتند که ۹ ترک خیلی کم منتشر شد، خیلی‌ها نمی‌دانستند که این قطعات را من خوانده‌ام حتی «از تو دلگیرم» و «من یا تو آروم» که خیلی هیت شده بود. من این قطعه را در خیلی از ماشین‌ها و در خانه‌های مردم می‌شنیدم و به همان تعداد که می‌دانستند من این قطعه را خواندم، به همان تعداد هم کسانی بودند که می‌گفتند: «... مگه این قطعه رو تو خوندی؟»، باورشون نمی‌شد من خواننده آن باشم.

«**چرا؟ مگر وقتی این قطعات در فضای مجازی منتشر شد اسم شما روی آنها نبود؟**
بود، اما موضوع مهم این است که مردم در فضای مجازی دنبال قطعه هیت نمی‌گردند، شما قطعه هیت را می‌توانید در خودروها و خانه‌ها پیدا کنید و وقتی این قطعات پخش می‌شوند مردم بیشتر آن را می‌شنوند و کسی دنبال خواننده‌اش نیست. برای همین هم بود که گفتم بگذار مدتی از شنیده‌شدن این قطعات بگذرد و در بین مردم جا بیفتد بعد کنسرت می‌گذارم. گفتم بگذارم آلبوم بعدی‌ام بیاید بعد کنسرت می‌گذارم. البته «ماه می‌خنده» آلبوم دوم بود و آلبوم اولم «برگ و باد» بود. وقتی «ماه می‌خنده» آمد دیدم چقدر سخت است انتشار آلبوم بعدی.

«**چرا سخت است؟**
بعد از اینکه قطعه و قطعاتی از تو هیت شد، آن‌وقت سخت است ساختن و انتخاب قطعات بعدی برای آلبوم بعدی. باید کاری کنی که هم تکراری به نظر نرسد، هم بهتر از قبل باشد و تو باید دفاع کنی از کاری که منتشر کردی. برای همین هم هست که آلبوم بعدی‌ام هنوز که هنوز است نیامده اما در اینکه چهارشنبه ۱۵مرداد در سالن میلاد کنسرت برگزار می‌کنیم، قرار است چهار، پنج قطعه از آلبوم جدید را هم اجرا کنیم.

«**درست است که قطعات آلبوم اولتان «برگ و باد» هیت و شنیده نشد اما چند قطعه خوب داشت که شادای قابلیت اجرا در کنسرت را هم داشت. چرا از قطعات آن آلبوم استفاده نکردید؟**
برای اینکه وقتی الان به قطعات آن آلبوم گوش می‌کنم می‌بینم که به سبک کاری «ماه می‌خنده» نمی‌خورد و آن آهنگ‌ها، آهنگ‌های کنسرت هم نیستند. البته این فقط حرف من نیست و با رهبر ارکسترمان، محسن افشار که جلسه گذاشیم او هم این نظر را داشت. حتی قبل از اینکه ماه می‌خنده را منتشر کنم این آلبوم را به محسن افشار داده بودم و او گفته بود که به درد کنسرت نمی‌خورد. آن آلبوم و قطعات آن بیشتر مناسب دوستان علاقه‌مند به موسیقی لایو است. البته اینها که می‌گویم به این معنی نیست که قطعات آن آلبوم را دوست ندارم.

«**حتی اگر تنظیم قطعات تغییر می‌کرد؟**
اگر قطعات دوباره تنظیم نشوند شاید؛ اما حتی همان‌موقع که «برگ و باد» را منتشر کرده بودم هم از دوران خودش قدیمی‌تر صدا می‌داد و بیشتر شبیه موسیقی پاپ اواخر دهه ۵۰ ایران بود و البته دفعه‌ای آن‌موقع خود من هم همین بود.
«**ا فکر می‌کنم سلیقه خودتان هم همان نوع موسیقی و تنظیم باشد و «ماه می‌خنده» را هم به‌خاطر ارضای سلیقه عموم منتشر کردید. درست است؟**
البته در روند ملودی‌سازی قطعات آلبوم «ماه می‌خنده» خودم دخیل بودم مخصوصا خود قطعه «از تو دلگیرم» و «من یا تو آروم» که ملودی قسمت بم را رشید رفیعی ساخته و قسمت لوج آن را من ساختم. چون در روند ملودی‌سازی این قطعات بدم‌روی این قطعات خیلی اصرار می‌کنم. آلبوم برگ و باد را هم خیلی دوست دارم اما موسیقی پاپ باید تکلیفش روشن باشد. آهنگ موسیقی پاپ باید